

بررسی ساختار سازمان آموزشی (مطالعه موردی دانشگاه بلخ افغانستان)

صفحات ۸۱-۱۱۰

محمدشاه صدیق^۱

چکیده

هدف این تحقیق شناسایی ساختار سازمانی دانشگاه بلخ و بررسی و مقایسه آن با نظریه‌های ساختار سازمانی می‌باشد. مدیریت آموزشی به عنوان شاخه‌ای از علم مدیریت با وام گرفتن منابع تئوریک مرهون این علم بوده و با گزار از ساختارهای کلاسیک وارد ساختارهای نوین سازمانی گردیده است. در این نوشته مقدمات و مراحل طراحی یک ساختار سازمان آموزشی با استفاده از منابع، دیدگاه‌های جدید و پژوهش‌های انجام شده در زمینه مورد کنکاش و جستجو قرار داده شد و در ضمن ساختار یکی از مراکز آموزش عالی افغانستان (دانشگاه بلخ) با توجه به منابع تئوریک مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت که بیشتر ساختار سازمانی این دانشگاه مشابهت با ساختار سه لایه کانتزن دارد، با این تفاوت که فعالیت‌های لایه شماره دوم خیلی محدود است به دلایلی چون، نبود مدیران متخصص آموزشی، سیاستگذاران فنی و حرفه‌ای، کم بود منابع مالی و اقتصادی، و در کل شرایط امنیتی کشور، تأثیر چشمگیری بر فعالیت‌های این نهاد گذاشته است.

واژگان کلیدی

ساختار سازمانی، سازمان آموزشی، نظریه‌های سازمانی، دانشگاه بلخ

۱. دانشجویی دکتری مدیریت آموزشی.



مقدمه

ساختار هر سازمان معمولاً بر پایه اهداف و با توجه به استراتژی‌هایی که برای رسیدن به اهداف سازمانی تدوین شده است، طراحی می‌شود. اما امروزه نظریه‌های نوین از قبیل نظریه آشوب و نظریه پیچیدگی، نشان می‌دهند که محیط بیرونی دانشگاه به عنوان یک سازمان، پیچیده و ناپایدار است، غیر قابل پیش بینی و احتمالی است و فقط می‌توان به آن کنترل محدودی داشت. بنابراین، در طراحی ساختار مناسب برای سازمان دانشگاه، صرف توجه به اهداف و استراتژی‌ها، کافی به نظر نمی‌رسد و لازم است متغیر دیگری به نام محیط بیرونی، وارد معادله ساختار-هدف دانشگاه شود. در حقیقت، از طرفی دانشگاه‌ها در محیطی پُر آشوب، پیچیدگی و تغییرات مداوم به فعالیت می‌پردازند و از طرفی دیگر از ساختار سازمانی انتظار می‌رود که چارچوبی منسجم برای هماهنگی، کنترل و بهینه سازی سیستم‌ها و فرایندهای دانشگاه، فراهم آورد. بنابراین لازم است بین این دو مقوله تناسب و سازگاری وجود داشته باشد و با اصلاح و بازنگری و بازآفرینی ساختار سازمانی دانشگاه‌ها، زمینه بقا و سازگاری با محیط بیرونی و در نهایت دستیابی به اهداف این نهاد اجتماعی فراهم شود.

برای پاسخ گویی به نیاز دو وجهی فوق، در برابر ساختارهای سنتی سازمان، اندیشه‌هایی مانند ساختار ارگانیک، ساختار شبکه ای، ساختار سلولی، سازمان کوانتومی و ... در نظریه پردازی سازمان شکل گرفته‌اند. این اندیشه‌های نوین، به منظور بهبود سیستم‌ها و مکانیسم‌های تصمیم‌گیری و هماهنگی با محیط بیرونی، همگی بر لزوم تغییر در ساختار سازمان و انعطاف پذیری هر چه بیشتر ساختار، تاکید می‌کنند. دست آورد این رویکردهای نوین در مطالعات آموزش عالی، رها کردن ساختارهای سلسله مراتبی گسترده و روی آوردن به شبکه سازی، تیم سازی و چابک سازی دانشگاه، به منظور تسهیل سازگاری با تغییرات، ماندگاری و موفقیت می‌باشد (میرکمالی، فرادی راد، ۱۳۹۲).

با توجه به تغییرات چشمگیر قرن بیست و یکم و رشد و توسعه ساختارهای سازمان دانشگاهی در اکثر کشورهای جهان، اثرات مخرب بیش از چهار دهه جنگ در افغانستان و وابستگی اقتصادی این کشور به کمک‌های بیرونی، نتایج رقت باری بالای ساختارهای سازمان آموزشی (دانشگاهی) در این کشور داشته و آن گونه که بایسته و شایسته بود، ساختارهای موجود سازمان‌های آموزشی با نظریه‌های دنیای مدرن همخوانی نداشته و پاسخگوی نیازی فعلی نمی‌باشد.

تعریف سازمان

سازمان عبارت است از پدیده‌ای اجتماعی یا گروهی متشکل از دو یا چند نفر که در محیطی با ساختار منظم به طور آگانه هماهنگ شده و برای نیل به اهداف

گروهی با یکدیگر همکاری می‌کنند (اصغری، ۱۳۸۶: ۱۵). با اندک دقت و توجه به تعریف بالا معلوم می‌شود که سازمان به عنوان یک پدیده اجتماعی متشکل از اجزاء و شاخ و برگ‌های است که با کنار هم نهادن این اجزاء، سازمان مفهوم و مصداق پیدا می‌کند.

انواع منابع سازمانی

۱. منابع انسانی
۲. منابع فیزیکی
۳. منابع مالی
۴. منابع تکنولوژی (رحمتی، ۱۳۹۴: ۲).

در واقع هسته‌های اصلی و ستون‌های اساسی یک سازمان مطلوب و پاسخگو با فراهم شدن نیروی انسانی شایسته، زیربنای مناسب، تشخیص و توجه به امور مالی با استفاده بهینه از دانش نوین (تکنولوژی) که نقش هماهنگ کننده، تسهیل و تسریع کننده در سازمان را دارا است می‌باشد.

اجزاء و عوامل یک سازمان

وارده یا مواد اولیه، ساختار، تکنولوژی، انسان، جریان عمل، هدف یا صادره (ایمانی و همکاران: ۱۳۸۳: ۶-۵).

تعریف ساختار رسمی

ساختار رسمی به طور کلی به معنای ساخت هدفدار نقش‌ها در یک مؤسسه است ساخت رسمی شامل ساخت سلسله مراتب اداری است. در این ساختار مقامات، مسؤولیتها، اختیارات و خطوط فرماندهی به وضوح استقراء و تعریف شده است. به عبارت دیگر در این ساختار مشاغل، نحوه ارتباطات، هماهنگی و تفویض اختیار مشخص و معین است (اصغری، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

ویژگی‌های ساختارهای رسمی

- در ساختار رسمی، روابط سازمانی به طور مکتوب و به کمک نمودار برای کارکنان معرفی می‌شود. در واقع این سازمان به کمک نمودار سازمانی نشان داده می‌شود. تغییرات احتمالی بعدی در روابط و فعالیت سازمانی می‌تواند به صورت رسمی یا غیر رسمی صورت گیرد.
- ماهیت ساختار رسمی غیر شخصی است.
- ساختارهای رسمی، ایده آل و آرمانی‌اند.

ابعاد ساختار

رسمی بودن، تخصصی بودن، داشتن استاندارد، سلسله مراتب، پیچیدگی، متمرکز بودن.



انواع ساختارهای سازمانی

۱. ساختار ساده؛
۲. ساختار ماشینی (وظیفه‌ای)؛
۳. ساختار حرفه‌ای؛
۴. ساختار فدرالی (عدم تمرکز فدرالی یا بخشی)؛
۵. ساختار ادھوکراسی (غلامی، ۱۳۸۸: ۷۹).

عوامل مؤثر در ساختار سازمانی

۱. اندازه سازمان؛
۲. تکنولوژی سازمان؛
۳. قدرت-کنترل؛
۴. محیط.

عوامل تعیین کننده ساختار

اول: استراتژی، پیتراکر می‌گوید: ساختار وسیله‌ای است برای حصول به اهداف بلند مدت و کوتاه مدت سازمان. از این رو هر نوع بحث و بررسی پیرامون ساختار باید با اهداف و استراتژی آغاز گردد.

استراتژی عبارت از فرایند تعیین اهداف بنیادی بلند مدت، اتخاذ شیوه کار و تخصیص منابع لازم برای رسیدن به اهداف

- اهداف به نتایج نهایی برمی‌گردد.

- استراتژی به نتایج نهایی و هم وسایل نیل آنها اشاره دارد.

دوم: اندازه، کیمبرلی بیان می‌کند که بزرگی سازمان دارای چهار عنصر و یا جزء است:

۱. ظرفیت فیزیکی. ۲. کارکنان موجود. ۳. ورودی و خروجی. ۴. منابع مالی و مادی سازمان.

سوم: تکنولوژی، به اطلاعات، تجهیزات، فنون و فرایندهای لازم برای نهاده‌ها به ستاده‌ها اطلاق می‌شود.

چهارم: محیط، نیروهایی که بر عملکرد سازمان تاثیر گذاشته و سازمان کنترل کمی بر آنها دارد و یا اینکه اصلاً کنترل بر آنها ندارد.

با تفصیل اجمالی که از تعاریف، انواع و اجزای سازمان و ساختار صورت گرفت، بایسته است که مفهوم ترکیبی این دو واژه نیز توضیح گردد.

ساختار سازمانی

ساختار سازمانی تصریح می‌کند که وظایف چگونه تخصیص داده شوند، سازوکارهای هماهنگی رسمی و نیز الگوهای تعاملی سازمان که باید رعایت

شوند کدامند، و اینکه چه کسی به چه کسی گزارش دهد. ساختار را به عنوان یکی از اجزاء سازمان که از عنصر رسمیت، تمرکز و پیچیدگی تشکیل شده است تعریف می‌نماییم. ساختار سازمانی چاقوب سازمان را نشان می‌دهد. البته ساختار سازمان‌های مختلف با هم متفاوت اند زیرا شرایط محیطی، راهبردها و اهداف که سازمانها دنبال می‌کنند با هم متفاوت است (اصغری، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

ساختارهای نوین

در مطالعات ساختار سازمان‌های مختلف - آموزشی و غیر آموزشی - محققان دریافته‌اند عباراتی نظیر سرعت، انعطاف پذیری، چابکی و انسجام، با عملکرد موفق سازمان‌ها ارتباط بیشتری دارند و سازگاری با محیط بیرونی شرط بقا و موفقیت سازمان است. مدیران نیز در فرایند حرکت به سمت ساختارهای سازگار و خلاق دریافتند که، برای دستیابی به اهداف سازمان باید بخش‌هایی از ساختارهای سنتی، تغییر پیدا کند. شواهدی زیادی وجود دارد که در عصر دانش، سازمان‌های باید به ساختارهای پویاتر روی بیاورند (ازبرن و پلاستریک: ۱۹۹۸). ساختار شبکه‌ای، ساختار سلولی، سازمان حلقوی و سازمان کوانتومی نمونه‌های از این مدل‌های سازمانی هستند که، برای غلبه بر ناکارآمدی‌های ساختارهای سنتی ارائه شده‌اند.

۱) **ساختار شبکه‌ای:** مجموعه‌ای از گروه‌ها و ارتباطات میان آنهاست. زمانی که افراد، تیم‌ها و گروه‌ها به عنوان گروه‌های مستقل عمل می‌کنند، در مرزها با یکدیگر متصل می‌شوند و با یکدیگر برای منظور مشترکی کار می‌کنند، می‌توان گفت که ساختار شبکه‌ای شکل گرفته است. ساختار شبکه‌ای مجموعه‌ای از بنگاه‌ها و واحدهای مستقل هستند که مانند یک واحد بزرگ و منسجم کار می‌کنند و از طریق به کارگیری سازوکارهای اجتماعی، هماهنگی و کنترل، ایجاد می‌کنند (ممی زاده، ۱۳۸۷). سازمان شبکه‌ای معمولاً به عنوان سازمانی که در سازگاری با تغییرات محیطی سریع و منعطف است، شناخته می‌شود. در حقیقت سازمان شبکه‌ای از طریق ایجاد ارتباطات درونی و بیرونی، گروه‌های کاری شایسته و متخصص، انعطاف پذیری بالا، محور قرار دادن ذینفعان، شکل مناسبی برای انجام کار در محیط‌های متغییر و متحول امروز به وجود می‌آورد.

در سازمان‌های شبکه‌ای، مرزهای سازمان منعطف، استقلال کاری بالا، و هدف‌های چند گانه مورد توجه سازمان است. ساختار شبکه‌ای در واقع شکل گسترش یافته یک ساختار ماتریسی است. ویژگی‌های که این ساختار را از یک ساختار ماتریسی جدا می‌کند، تاکید بر فرایندهای افقی و شبکه‌سازی بین تیم‌های کارکردی می‌باشد (فریزن، ۲۰۰۵). در این ساختار، تشکیل گروه‌های کاری، نخستین سازوکار هماهنگی می‌باشد و تصمیم‌گیری به شدت تحت تاثیر رضایت



ذینفعان سازمان است (هانتز، ۲۰۰۲). به طور کلی در ساختار شبکه‌ای، گروه‌ها، خود سازمان‌دهی دارند و سرعت و انعطاف‌پذیری بسیار بالاست. این الگوی سازمانی برای سازگاری با محیط بسیار متغیر و پیچیده است (میرکمالی، فرهادی راد، ۱۳۹۲).

۲) سازمان حلقوی (سلسله مراتب دموکراتیک): طرح سازمان حلقوی یا سلسله مراتب دموکراتیک از چند مشکل متفاوت اما مرتبط با هم در ساختار سازمان، سرچشمه می‌گیرد. نخست اینکه، مدیریت به جای فعالیت بخش‌های مختلف یک سیستم، بر تعامل بین آنها تاکید می‌ورزد. تعامل درون بخش‌ها میتواند افقی یا عمودی باشد. تک سویی ارتباطات بویژه ارتباطات از بالا به پایین، نشان دهنده ناتوانی سازمان در ایجاد تعاملات موثر است. دومین مشکل به سطح ارتباطات مربوط می‌شود. در نیروی کار سده نوزدهم و قبل از آن کارکنان، سواد اندکی داشتند و به دلیل آموزش پایین نمی‌توانستند به اندازه مدیران خوب کار کنند؛ اما امروزه کارکنان می‌توانند کار را بهتر از رؤسا خود انجام دهند بنا براین، در این فضا دیگر نظارت، کار اصلی مدیران نیست؛ بلکه ایجاد فضای کاری مناسب جهت انجام کار و ایجاد علاقه و پیشرفت برای کارکنان، وظیفه مدیر است. سومی به دلیل پیشرفت جوامع در اکثر آنها گونه‌هایی از دموکراسی دیده می‌شود. ناسازگاری بین محل زندگی و محل کار، کارکنان را آزرده می‌سازد. با توجه به این دلایل بسیاری از افرادی که از سازمان حلقوی حمایت می‌کنند، اعتقاد دارند که تنها راه رسیدن به سازمان دموکراتیک، از میان برداشتن سلسله مراتب است. در این راستا مفاهیمی زیادی همچون سازمان‌های مسطح و سازمان‌های شبکه‌ای شکل گرفته‌اند که با شکست مواجه شده‌اند؛ زیرا کارگران طبقه‌بندی شده، باید هماهنگ شوند و هماهنگ‌کنندگان نیز باید هماهنگ شوند. بنابراین سلسله مراتب ناگزیر است، اما به این معنی نیست که این سلسله مراتب الزاما باید استبدادی باشد و سازمان حلقوی را به عنوان راه حل پیشنهاد می‌کنند (شریفی و همکاران، ۱۳۸۶).

۳) سازمان سلولی: سازمان‌های که بتوانند خودکار آمدی گروه‌های متخصص را توسعه دهند، بین سازمان و ذینفعان علاقه‌مندی ایجاد کنند و بر نیازهای ذینفعان تمرکز داشته باشند، بهتر می‌توانند با چالش‌های آینده سازگار شوند، این گروه‌های متخصص به عنوان «سلول» توضیح داده می‌شوند و ساختارهای سازمانی بین آنها ارتباط برقرار می‌کند، ساختار سلولی نامیده می‌شود. مؤلفه‌های اساسی یک ساختار سلولی، عدم تمرکز، توانمندی و دموکراسی است (اسنو و مایلز، ۱۹۹۹).

۴) سازمان کوانتومی: «سازمان کوانتومی سازمانی است که بر پیدایش راه‌حل‌ها، ایده‌ها و چشم اندازه‌های منحصر به فرد، از طریق به اشتراک گذاشتن مجموعه مهارت‌ها، استعدادها و بینش‌ها، تجارب و هویت‌های فردی همه اعضا

سازمان و ارزش‌ها و اهداف سازمانی تاکید می‌کند» (دیر دورف و ویلیامز، ۲۰۰۶). هانتر مولفه‌های اساسی سازمان‌های کوانتومی را خلاقیت، خود سازماندهی و پاسخ‌گویی سریع می‌داند. سازمان کوانتومی دارای نیروی کار ماهر و منعطف و ساختار سازمانی مشتمل بر بخش‌های کوچک و خود سازنده می‌باشد. سازمان کوانتومی تعارض را تشویق می‌کند، آشوب را امر طبیعی می‌داند و قدرت و کنترل در سازمان از طریق اعتماد به توانایی افراد برای خود سازماندهی واگذار شده است (کلایتون، ۲۰۰۸).

رالف کیلمن (۲۰۰۱) برای معرفی سازمان کوانتومی، هفت ویژگی اساسی را دارای اهمیت فراوان می‌داند:

- وجود هوشمندی در خود طراحی سیستم‌ها؛
- اعضای سازمان به عنوان شرکای هوشمند که در خود طراحی فرایندها فعالانه مشارکت دارند؛
- فرایندهای بدون مرز، به طوری که به روشنی در اطلاعات موجود نشان داده شده است؛
- هوشمندی و خود مدیریتی در سازمانی که به گونه‌ای انعطاف پذیری طراحی شده است؛
- تعهد درونی به مشارکت فعال؛
- ارتباطات قوی بین اعضا؛
- خود تحولی دائم سازمان (رالف کیلمن، ۲۰۰۱).

ساختار سازمانی در نظام دانشگاهی

بالدریج و دیل، ساختار سازمانی دانشگاه را یک ابزار مدیریت می‌دانند و اعتقاد دارند که «در یک مجموعه دانشگاهی، ساختار سازمانی - که مدیریت، رهبری و مجموعه مقررات اداره کردن دانشگاه را در بر می‌گیرد- ابزاری مدیریتی است که هم بستر لازم برای خلق نوآوری‌های آموزشی را فراهم می‌آورد و ابزار سازگاری دانشگاه با نوآوری‌های آموزشی می‌باشد» (بالدریج و ویل، ۱۹۸۳). بارتون کلارک، معتقد است که ساختار سازمانی دانشگاه چاقوبی است که باید از طرفی امکان عکس‌العمل سریع در برابر پدیده‌های گوناگون را فراهم آورد و از طرف دیگر، انسجام کلی دانشگاه توسط حلقه‌های مدیریتی سطوح بالای آن، حفظ شود (بارتون کلارک، ۲۰۰۸) باربارا اسپورن، در مدل خود، سه بعد اساسی-اداره مدیریت و رهبری- را و این که آنها چگونه بین ساختار دانشگاه و محیط، سازگاری ایجاد میکنند، مورد توجه قرار داده است. وی در تشریح تاثیر ساختار دانشگاه بر سازگاری با محیط بیرونی، معتقد است از آنجای که در درون یک ساختار، کارکردهای مدیریت، رهبری و اداره کردن دانشگاه منجر به هدایت رفتار افراد،



گروه‌ها و بخش‌ها می‌شود، ساختار دانشگاه نقش بسیار حیاتی در سازگاری دانشگاه با محیط بیرونی دارد (اسپورن، ۱۹۹۹) لذا با توجه به این که مدل‌های دانشگاهی اخیر، ساختارهای متفاوتی را برای دانشگاه‌ها پیشنهاد می‌کنند، در ادامه ساختار سازمانی در این مدل‌های نوین مدیریت و اداره دانشگاه‌ها به منظور ارائه یک مدل تلفیقی بحث می‌شود.

۱) ساختار سازمانی دانشگاه یادگیرنده

بنت و بنت (۲۰۰۴)، با پیشنهاد ساختار یادگیرنده برای سازمان‌های نوین، ویژگی‌های اساسی ساختار سازمانی مناسب برای فعالیت در دنیای آشوبی را بر می‌شمارند: خلاق، منعطف، سازگار، منسجم و دارای قدرت یادگیری درونی. مطابق دیدگاه آنها یک سازمان به عنوان یک سیستم هوشمند، پیچیده و سازگار، هم باید دارای آزادی در سطح بخش‌های مختلف باشد و هم بتواند کلیت خود را به عنوان یک سازمان منسجم حفظ کند. برای دستیابی به این دو هدف به ظاهر متناقض و ایجاد تعادل بین استقلال قسمت‌های مختلف و حفظ کلیت سازمانی، ساختارهای سازمانی باید ویژگی‌های اساسی زیر را حفظ کنند:

- ساختار باید همواره به اختیار و پاسخ‌گویی، در برابر اهداف سازمان توجه داشته باشد.
- سازمان برای سرعت در تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی، دستیابی به دانش مورد نیاز، اعتماد بین کارکنان و توانمندی سازی باید تیم، کمیته و شبکه تشکیل دهد.
- به منظور جلوگیری از بی‌نظمی در سازمان ساختار باید به گونه‌ی طراحی شود که توانمندی‌های کارکنان را هماهنگ کند (بنت و بنت، ۲۰۰۴).

۲) ساختار سه لایه‌ای کانتزن

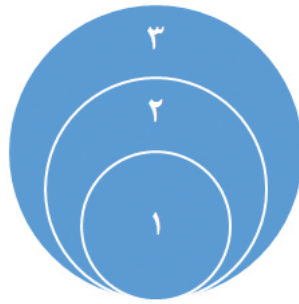
از آنجا که دانشگاه یک سازمان دو هسته‌ای است، حفظ استقلال گروه‌های علمی از یک طرف و انسجام سازمانی دانشگاه از طرف دیگر، اهمیت بسیار بالای دارد. کانتزن (۲۰۰۴) یک ساختار سه لایه‌ای برای دانشگاه معرفی می‌کند و معتقد است ساختار سازمانی دانشگاه باید بتواند بین مدیریتی و قدرت حرفه‌ای در دانشگاه، توازن لازم را برقرار سازد. لایه‌های این ساختار پیشنهادی و اجزای آن به شرح زیر می‌باشد.

لایه شماره یک: لایه شماره یک در مدل کانتزن، تدریس و تحقیق در حوزه تخصصی می‌باشد. قلب دانشگاه دو فعالیت اصلی تدریس و تحقیق هستند که هر دو بر نظم استوارند. گروه‌های آموزشی ساختارهای اولیه خود را حفظ می‌کنند. در این لایه که شامل هسته‌های تدریس و تحقیق می‌باشد، آزادی انتخاب اصلی‌ترین راهنما است و این هسته فنی همانند سایر سازمان‌های علمی، به دقت به

امور اکادمیک مشغول است.

لایه شماره دوم: یا لایه میانی، تدریس و تحقیق بین رشته‌ای زمینه محور است. این بخش مشترکاً توسط چندین گروه آموزشی و هماهنگ با سایر سازمان‌های علمی خارج از دانشگاه، راه اندازی می‌شوند. دسته بندی این مراکز بر اساس فعالیت‌های تخصصی و مزایای رقابتی خواهد بود.

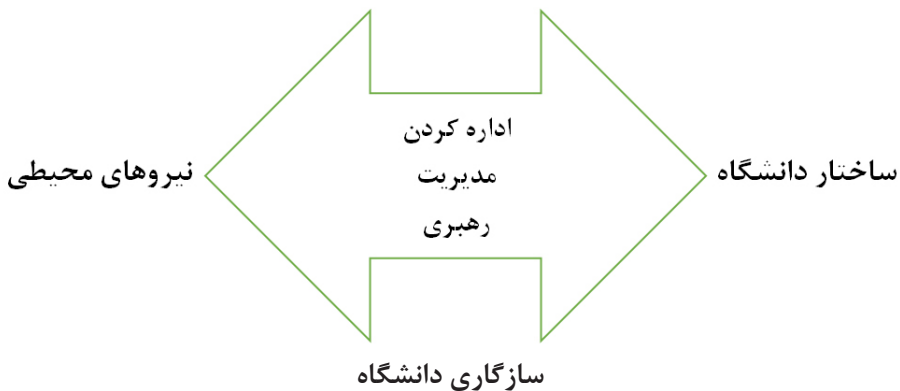
لایه شماره سوم: لایه شماره سه، ابتکار است (شامل، شرایط رشد، سرمایه گذاران، مراکز کارآفرینی و...). این لایه مرز مواجهه با دنیای اقتصادی و اجتماعی بیرون از دانشگاه است.



ساختار سه لایه‌ای کانترن (۲۰۰۴)

۳) ساختار سازمانی دانشگاه سازگار

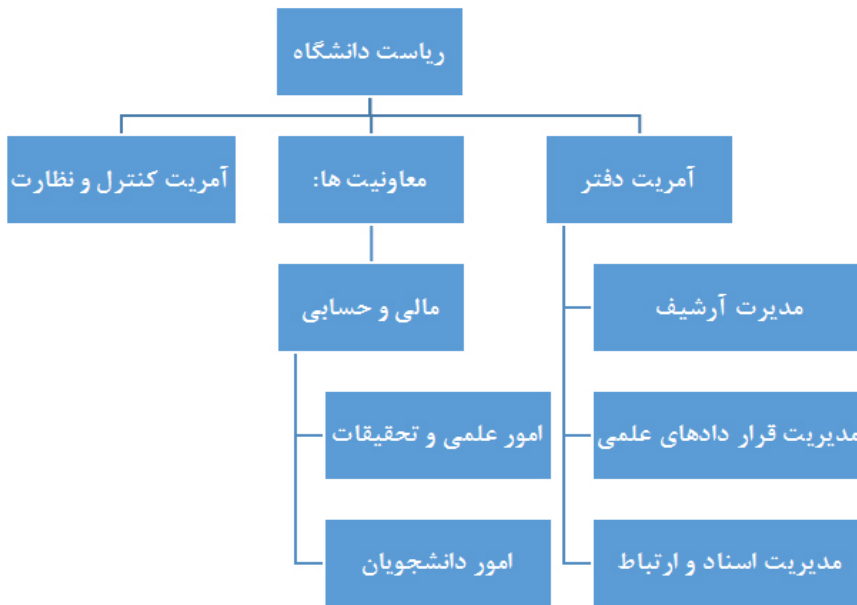
باربارا اسپورن، بیان می‌کند که دانشگاه‌ها بخشی از محیط بیرونی هستند و رابطه بین دانشگاه و محیط بیرونی بر پایه پیشرفت‌های اجتماعی، تغییر می‌کند. آشوب و پیچیدگی محیطی واقعی است که وجود دارد و دانشگاه‌ها به عنوان



با توجه به ویژه‌های یک سازمان و مدل‌های مطرح شده در مورد سازمان‌های آموزشی، در این تحقیق ساختار دانشگاه بلخ در افغانستان به شرح ذیل مورد

مشاهده قرار گرفت:

دانشگاه بلخ در شهر مزار شریف با داشتن بیش از ۴۵۰ تن عضو هیأت علمی با درجه علمی (حدود ۲۰ تن دکتر، ۱۹۲ تن ارشد و بقیه لسانس)، یکی از دانشگاه‌های دولتی افغانستان با سابقه در حدود ۳۰ سال فعالیت در شمال کشور به شرح آتی طراحی گردیده است:

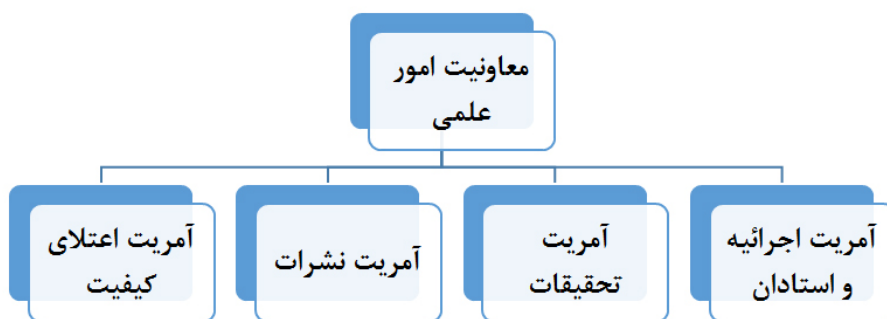


معاونیت مالی و حسابداری دانشگاه بلخ دارای شعبه‌های زیر مجموعی قرار زیر است:

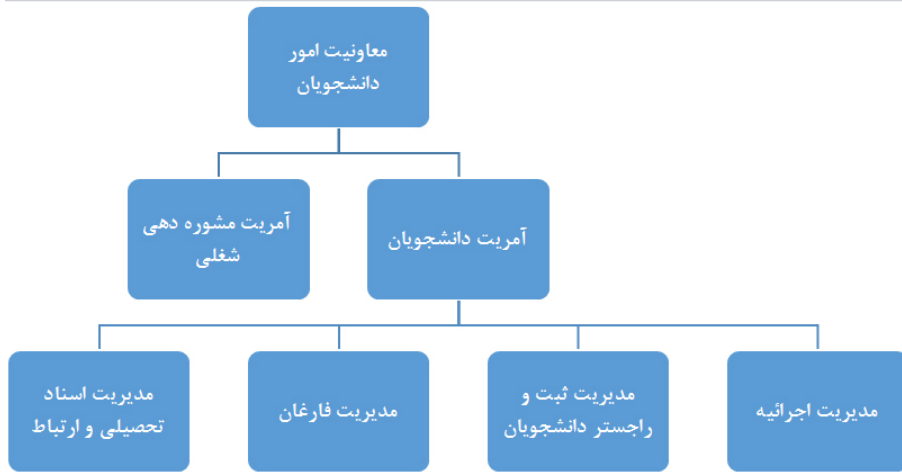
آمریت‌ها	منابع بشری	مالی و حسابداری	کتابخانه	تهیه و تدارکات	ارتباط و آگاهی عامه	بیمارستان‌ها	جوازگاه‌ها
مدیریت‌ها	ارتقای ظرفیت و انکشاف اداره	تنظیم بودیجه	تکنالوژی معلوماتی	تدارکات	مجله‌ها	شیفت‌های عمومی	ارزاقی و اداری
مدیریت‌ها	استخدام	حوالجات و دفترداری	اجرائیه و کتابخانه	خدمات و املاک	جمع آوری اطلاعات	تکنیشن کاران	اجرائیه

مدیریت‌ها	ارزیابی و سوانح	حوالجات و معاشات	ویدیو کنفرانس	جنسی دیپوها	متمم مجله و تصحیح متون	نرسنگ‌ها و فارمسست‌ها	معلمین خوابگاه‌ها
مدیریت‌ها	جندر (Gender)	تصفیه و قطعیه	توزیع کتب	حفظ و مراقبت و سرسبزی	نشریه مجله	واکسیناتوران و نرس‌ها	
مدیریت‌ها	حاضری		نرم افزار	ترانسپورت			

معاونیت امور علمی دارای زیر مجموعه‌های آتی است:



شعبات و زیر مجموعه‌های معاونیت امور دانشجویان:



دانشکده‌های دانشگاه بلخ:

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| ۱۰. علوم اجتماعی | ۱. طب (پزشکی) |
| ۱۱. ژورنالیزم | ۲. تعلیم و تربیه |
| ۱۲. زراعت (کشاورزی) | ۳. ادبیات |
| ۱۳. اقتصاد | ۴. حقوق و علوم سیاسی |
| ۱۴. ساینس | ۵. شرعیات |
| ۱۵. ویترنری (دامپزشکی) | ۶. اداره عامه |
| ۱۶. بیمارستان کادری | ۷. انجنیری (مهندسی) |
| ۱۷. کمپیوتر ساینس | ۸. جیولوژی و معدن |
| | ۹. فارمسی (داروسازی) |

بر اساس قانون وزارت تحصیلات عالی افغانستان دانشجویان از طریق امتحان کانکور نظر به ظرفیت دانشگاه معرفی می‌شوند و در قسمت استخدام هیات علمی در کرسی‌های منظور شده و اعلان آن در وب سایت وزارت تحصیلات کاندیدان واجد شرایط بعد از شارت لست با سپری نمودن امتحان رقابتی کادری از جانب اعضای گروه مربوطه و ارائه کنفرانس علمی به شورای علمی دانشکده محوله و به همین منوال پس از تأیید شورای تقرر و انفکاک دانشگاه و شورای علمی آن، جهت تصمیم‌گیری نهایی اسناد و مدارک کاندید با نتایج امتحان کادری به جلسه انسجام امور اکادمیک وزارت تحصیلات عالی فرستاده می‌شود و بعد از امر وزیر به عنوان عضو هیات علمی دانشگاه ذریعه نامه رسمی معرفی و استخدام می‌گردد. دانشگاه بلخ و دانشکده‌های آن با الهام از پلان استراتژیک وزارت تحصیلات

عالی دارای برنامه راهبردی ۵ ساله می‌باشد که مبتنی بر آن در روشنایی قانون وزارت تحصیلات عالی بعد از تصویب شورای وزیران می‌تواند با دانشگاه‌های خارجی توأمیت علمی داشته باشد، که با کشورهای جمهوری اسلامی ایران، هندوستان، جاپان، چین، قزاقستان، جمهوری فدرال آلمان، ایالات متحده امریکا و کشور مصر، اعضای هیات علمی خویش را به حیث دانشجوی در مقاطع ارشد و دکتری می‌فرستد.

نتیجه گیری

با ملاحظه‌ای پیشینه آموزش دانشگاهی در افغانستان به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی که کشور در شرایط نسبتاً آرام و جو مناسب قرار داشته، دانشگاه کابل در سطح افغانستان و حتی در منطقه از نظر فعالیت‌های علمی دارای مقام و مرتبتی بوده، بدبختانه در دهه ۱۳۶۰ و آغاز آشوب‌ها (به‌قدرت رسیدن احزاب خلق و پرچم دست‌نشانده رژیم شوروی وقت و قیام‌های مردم مسلمان افغانستان) روند آموزش دانشگاهی روز به روز آسیب دیده و از اعتبار آن کاسته شده در این دهه (۱۳۶۷) خورشیدی در اوج آشوب‌ها و قیام‌ها و حضور مستقیم ارتش شوروی در کشور دانشگاه بلخ در یک ساختمان غیر معیاری ایجاد گردیده است، بعد از آرامش نسبی و سقوط نظام طالبانی در افغانستان و ظهور دولت انتقالی این دانشگاه مالک ۶۰۰ جریب زمین (۱،۲۰۰،۰۰۰) متر مربع گردیده و ساختمان برخی از دانشکده‌ها، خوابگاه‌های پسرانه و دخترانه تعمیر و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است که به تناسب شرایط اقتصادی کشور استفاده از تکنالوژی معاصر و توسعه اداری (انکشاف دانشگاه از ۱۰ دانشکده به ۱۶ دانشکده) دانشگاه شاهد رشد و تحول در عرصه‌های گوناگون بوده نکته مهم و اساسی اینکه ساختار سازمانی این دانشگاه مشابهت با ساختار سه لایه کانتزن که در سال ۲۰۰۴م ارائه شده دارد، با این تفاوت که فعالیت‌های لایه شماره دوم خیلی محدود است به دلایلی چون، نبود مدیران متخصص آموزشی، سیاستگذاران فنی و حرفه‌ای، کم بود منابع مالی و اقتصادی، و در کل شرایط امنیتی کشور، تأثیر چشمگیری بر فعالیت‌های این نهاد گذاشته است.

منابع

۱. ازبرن، دیوید و پلاستریک، پیتر، (۱۹۹۸)، واژگونی بوروکراسی، مترجم: غلام حسین خانقایی، تهران: فرا.
۲. اصغری، جمیشد، (۱۳۸۶)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، صفار: اشراقی.
۳. ایکاف، راسل، (۱۹۹۹)، بازآفرینی سازمان: طراحی سازمان برای سده بیست و یکم، مترجمان: تقی ناصر شریفی و همکاران، تهران: سازمان مدیریت صنعتی ۱۳۸۶.
۴. ایمانی، محمد نقی و همکاران، (۱۳۸۳)، مدیریت از آغاز تا پست مدرن، تهران: فرهنگ سبز.
۵. رحمتی، محمد حسین و حسینی فرد، سید مجتبی، (۱۳۹۴)، راهنمای عملی پیاده سازی مدیریت راهبردی، قم: سلوک جوان.
۶. غلامی، مسعود، (۱۳۸۸)، مبانی مدیریت تئورهای سنتی. نگرش‌های جدید، تهران: ارگ.
۷. ممی زاده، جعفر، (۱۳۸۷)، مدیریت سازمان‌های آینده. تهران: شرکت و چاپ و نشر بارزگانی.
۸. میرکمالی، محمد و فرهادی راد، حمید، کنکاشی در ساختارهای سازمانی دانشگاه به منظور ارائه یک مدل تلفیقی، فصل نامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال پنجم: شماره یکم پاییز ۱۳۹۲، مسلسل (۱۷).
9. Baldrige J.V. & Deal T.E. (1983). The basics of change in educational organization, Berkeley: Mc cutchan.
10. Bennet, Alex & Bennet David (2004). Organizational Survived in the new word, The intelligent complex adaptive system, Butterworth-Heinemaa, Elsevier.
11. Clark, Burton. R. (2008). On Higher Education, USA Johns Hopkins University press.
12. Clayton, Berwyn. & others. (2008). Structures and cultures: A review of the literature, Australian Government.
13. Contzen, JP (2004). Adapting University Structure to respond to Societal needs, 6th EUA conference April 2004.
14. Dale S. Deardorff DM & Greg, Williams (2006). Synergy leadership in Quantum Organization, Fesserdorff Consultants.
15. Friesen, G.B (2005). Organization design for the 21st century, Consulting to Management, 16(3), pp.39-51.
16. Hunter J.(2002). Improving Organizational performance through the use of effective elements of organization. Structure, International Journal of Health care Quality Assurance, 2002:15(4-5):xii-xxi.
17. Snow C, Mathews JA, Miles R (1999). The concept of the corporation in the twenty-First century working paper, Carnegie Bosch Institute.
18. Sporn, Barbara (1999). Adaptive University Structures, London, Jessica kingsley pulishers, LTD.

چگونگی تعامل قرآن کریم با علوم جدید

صفحات ۹۵-۱۱۰

محمدحسن فیاض^۱

چکیده

شیوه انجام پژوهش توصیف و تحلیلی از رویکردها و نظرات مطرح در زمینه تعامل قرآن با علوم جدید است و این موضوع را با توجه به منابع موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های مرتبط، مورد توصیف، بررسی، ارزشیابی و بحث قرار داده که رابطه و کیفیت تعامل مباحث علمی قرآن با علوم جدید چگونه بوده است؟ ظاهر آیات قرآن کریم بر تمام علوم بشری با تمام فرمول و جزئیات آن دلالت ندارد و اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده که حاشیه‌ای و استطرادی است و همه علوم بالفعل وجود ندارد و در عین حال دلالت بر این مطلب دارد که آیات قرآن تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم را به صورت تفصیل یا مجمل بیان نموده است. کیفیت و چگونگی ارتباط قرآن کریم با علوم جدید به گونه‌های مختلف قابل تبیین است. گاهی برخی موضوعات مطرح علمی گذشته بشری را که گمان می‌رفت قرآن کریم از آن تأثیرپذیرفته باشد، مردود شناخته و انکار می‌گردد. برخی موضوعات علمی دیگر که در عصر نزول رواج داشته با کم و کاستی روبرو بوده اما قرآن کریم، به اصلاحات و تکمیل آن پرداخته است. گاهی هم مباحث علمی مرسوم و درست را امضا و تأیید نموده و در نهایت براساس ضرورت‌ها و نیازهای بشر موضوعات جدید علمی را تأسیس کرده است. به طور کلی تعامل قرآن کریم با علوم جدید را می‌توان در یک رابطه سه یا چهارگانه انکاری، اصلاحی، امضایی و تأسیسی ترسیم نمود.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، تعامل، علم و علوم جدید.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و علوم تربیتی.



مقدمه

مطالب و آیات قرآن کریم معلومات و معارف گوناگون بشری را در قالب الفاظ و کلمات محدود بیان نموده‌اند بر همین اساس تدبر و دقت کافی و عالمانه در آیات و الفاظ آن جهت به دست آوردن پیام‌های اصلی قرآن لازم و ضروری به نظر می‌رسد. وقتی به پاره‌ای از آیات و روایات مراجعه گردد ملاحظه می‌شود که تأکید بر تفکر و دقت عقلی روی آیات قرآن گردیده است، این نشانه‌ی از ضرورت و اهمیت تفسیر علمی است. «کتاب انزلناه إلیک مبارک لیدبروا آیاته ولیتذکر أولوا الالباب» (ص: ۲۹) این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند. «بالبینات والزربر وانزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل إلیهم ولعلهم یتفکرون» (نحل: ۴۴)، از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند) و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه را به سوی مردم نازل شده است روشن‌سازی؛ و شاید اندیشه کنند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «و ان القرآن ظاهره أنیق و باطنه عمیق، لاتفنی عجایبه، و لاتنقضی غرابیه، و لاتکشف الظلمات إلا به» (نهج البلاغه: خطبه ۱۸). قرآن دارای ظاهر زیبا و باطن ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود، و اسرار آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌ها بدون قرآن بر طرف نخواهد شد.

در این آیات و روایت، اندیشیدن و تفکر روی آیات قرآن جهت کشف حقایق و اهداف آن گردیده است که در مسایل علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به این گونه آیات و روایات، تعامل و چگونگی ارتباط قرآن کریم با علوم جدید در ادوار مختلف تفسیری بسیار مهم و جای بحث و بررسی علمی در میان مفسران داشته است. چنانکه امروزه یکی از روش‌های مهم تفاسیر، تفسیر علمی است و نویسندگان تلاش می‌کنند تا با ابزار تجربی و علمی، مانند بسیاری از ابزارها و شرایط تفسیری دیگر، برای وصول به معانی و مقاصد آیات قرآن استفاده کنند. این موضوع به عنوان یکی از مباحث مهم قرآنی در حوزه تجربی و نظریه پردازی، جای بررسی و ارزشیابی علمی دارد تا از جهات مختلف مورد تبیین قرار گرفته و چگونگی تعامل یا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری قرآن کریم با علوم جدید مشخص شود.

هدف از این پژوهش جستجوی عالمانه و علمی این موضوع با توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مطرح در این زمینه است؛ به عبارت دیگر این پژوهش بیشتر ناظر به نحوه تعامل و ارتباط مباحث علمی و بعضاً به صورت مصداقی و مشخص‌تر که در طول تاریخ تفسیر قرآن کریم مطرح بوده و گاهی به صورت شبه و تأثیرپذیری قرآن از آنها خودنمایی می‌کند، می‌باشد.

شیوه انجام پژوهش توصیف و تحلیلی از رویکردها و نظرات مطرح در این

زمینه است و این موضوع را با توجه به منابع موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های مرتبط، مورد توصیف، بررسی، ارزشیابی و بحث قرار داده که رابطه و کیفیت تعامل مباحث علمی قرآن با علوم جدید چگونه بوده است؟ چه مصداق‌هایی را می‌توان در این زمینه جستجو نمود؟ و سوالات مرتبط دیگری که در این زمینه وجود دارد، مورد تحقیق قرار خواهد گرفت.

مفاهیم

بررسی مفهوم و معنای واژه‌های کلیدی به منظور آشنایی بهتر پژوهش مناسب و ضروری به نظر می‌رسد زیرا برخی از کلمات، مانند تعامل، علم و منظور از اینکه علوم جدید چیست، در جهت دهی تحقیق تأثیر اساسی و بنیادی دارند، بدین جهت ابتدا کلمات اصلی تحقیق مفهوم شناسی گردیده و سپس به موضوع اصلی می‌پردازد.

تعامل

این واژه در لغت به معنای عمل متقابل و تأثیر متقابل بر یکدیگر گذاشتن است (اتابکی، ۱۳۹۱: ۱/ ۷۹۷). در اصطلاح یک نوع رابطه متقابل یک یا چند عملی است که از همدیگر تأثیر می‌پذیرد. چنانکه برخی تعامل را هم‌معنای ارتباط، تأثیر و تأثر دانسته‌اند. در معنای آن گفته است: اثرگذاری و اثرپذیری که در زبان عربی به تأثیر و تأثر تعبیر می‌شود، صرفاً به امور مادی محدود نمی‌شود، بلکه امور غیر مادی و برخوردهای غیرفیزیکی را هم شامل می‌شود. منظور از اثرپذیری و اثر در اینجا تأثیر دو فرهنگ قرآنی و جاهلی به یکدیگر است که هیچ‌کدام مادی نیست و تفسیر غیرمادی می‌گردد. در حقیقت این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که نشان و نمادی از فرهنگ و علم در قرآن کریم وجود دارد که متأثر از علوم و فرهنگ‌های عصر نزول یا جاهلی باشد و یا از آن تأثیر نپذیرفته است (رستمی، ۱۳۹۲: ۱۵). بنابراین منظور از تعامل در اینجا رابطه و یا اثرگذاری و اثرپذیری دو موضوع علمی است که در قرآن و علوم جدید مطرح است که در تصادم و برخورد با همدیگر از چه رابطه و تعامل برخوردار بوده است.

علم و علوم جدید

علم دارای معانی و مفاهیم گوناگونی است، زیرا مبتنی بر آگاهی و کیفیت شناخت انسان از محیط است که به واسطه تجربه حاصل می‌شود و در علوم مختلف ممکن است تفسیر متفاوت داشته باشد. بحث اصلی ریشه یابی علم نیست بلکه منظور آشنایی با علوم جدید است تا روشن شود که قرآن کریم چه رابطه و تعامل با آن داشته است؛ یعنی علومی که بعد از زمان نزول قرآن کریم در میان جوامع بشری براساس مشاهده و تجربه حسی مانند کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی،



طب‌شناسی و... به دست آمده و مفسران نیز تلاش نمودند تا این مباحث علمی را به نحوی در قرآن کریم جستجو نمایند تا پاسخ را از آیات علمی به دست آورند. براساس همین نگاه تطبیقی تفسیر علمی پایه ریزی گردید که امروزه نیز یکی از روشهای مهم تفسیری محسوب می‌گردد. البته باید گفت که ظاهر آیات قرآن کریم بر تمام علوم بشری با تمام فرمول و جزئیات آن دلالت ندارد و اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده که حاشیه‌ای و استطرادی است و همه علوم بالفعل وجود ندارد و در عین حال دلالت بر این مطلب دارد که آیات قرآن تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم به صورت تفصیل یا مجمل بیان نموده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۷۷). چنانکه در برخی از آیات قرآن علم به معنای عام آمده است، «قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» (زمر: ۹)؛ بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟. به عقیده برخی منظور از علم در این آیه مطلق علم و دانش است که شامل همه اقسام علم مفید می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۵/۲۹).

بنابراین علوم، قلمرو وسیعی دارد و منظور از علوم جدید آن است که به واسطه تجربه و حس، صرف‌نظر از درستی و نادرستی آن در فرایند شکل‌گیری علم در طول تاریخ به دست آمده و آن‌گاه قرآن کریم چه تعاملی با آن داشته است و منظور از آن ظاهر معنای آیات الهی است و یا معانی واقعی آن. هرچند صرفاً علم تجربی مد نظر نخواهد بود بلکه می‌تواند موضوعات دیگری که نیز دارای ارزش علمی است، شامل شود.

دیدگاه‌ها و ادله تعامل قرآن کریم با علوم جدید

ضرورت بحث از دیدگاه‌ها این است که ما به صورت اجمال بتوانیم با دیدگاه‌های مطرح در این زمینه آشنایی پیدا کنیم و اگر نه دیدگاه‌های تعامل قرآن کریم و علوم جدید، مطالب مستقل و مفصلی دارد. سه دیدگاه عمده در مورد تعامل قرآن کریم با علوم جدید مطرح است که در زیر به صورت اجمال به آن اشاره می‌گردد.

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن کریم وجود دارد

برخی از مفسران مانند غزالی، ابوالفضل المرسی، زرکشی، سیوطی و در عصر جدید طنطاوی در «الجواهر فی تفسیر القرآن» و... معتقدند که همه علوم بشری در قرآن کریم وجود دارند و در تفاسیر و مباحث قرآنی خویش سعی می‌کنند تا همه علوم جدید را استخراج نمایند (جلیلی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸).

مهمترین ادله این دیدگاه عبارتند از: آیات قرآن کریم و روایاتی که مسأله بطون مختلف را در قرآن نسبت می‌دهد. برخی از آیات این موضوع را بیان نموده هر چند تفسیر و کیفیت آن از نظر مفسران به گونه‌های مختلف بیان گردیده

است. نمونه‌هایی آن عبارت است از: «... ما فرطنا فی الكتاب من شیء...» (انعام: ۳۸)؛ ما هیچ چیزی را در این کتاب فروگذار نکرده‌ایم. «و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل: ۸۹)؛ علامه در این ارتباط می‌فرماید: این آیه شریفه جمله استینافی و غیر مربوط به سابق خویش است و در آن قرآن کریم را با اوصاف برجسته‌اش توصیف می‌کند، و یکی از صفت عام آن این است که قرآن تبیان برای هر چیزی است و چون قرآن کتاب هدایت برای همه مردم است و لذا ظاهراً مراد از «کل شیء» همه‌ی آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت باشد؛ از قبیل معارف حقیقی مبدأ و معاد، اخلاق، شرایع الهی قصص و مواعظی که مردم به آن نیاز دارند. براساس روایاتی که در این رابطه بیان نموده، مراد از کلی شیء اعم از ظاهر و دلالت لفظی این آیه است به عبارت دیگر بعدی ندارد که در قرآن کریم اشارات و اموری باشد که از اسرار و نهفته‌هایی خارج از فهم عادی بشر، خبر دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/۴۶۹).

گذشته از تفاسیر و برداشت‌های که مفسران ممکن است از این آیه داشته باشند، طرفداران و قایلین وجود همه علوم در قرآن کریم به این آیه استناد نموده‌اند و در مجموع کتابی است که هدایت بشر را به صورت اساسی بیان نموده هرچند در مسایل جزئی نیاز به تفسیر بیشتر و فهم دقیق‌تری دارد. در روایات نیز قرآن دارای بطون «سبعه» یا بطون متفاوت معرفی شده و دلیل دیگری برای وجود همه علوم بشری در آن است. البته بحث روایی این مسأله مفصل و به نظر می‌رسد بیشتر از این در اینجا نیاز نباشد و به همین مقدار کفایت می‌کند که این گونه روایات دلیل برای مدعای این دیدگاه به حساب آید.

دیدگاه دوم: قرآن کریم فقط کتاب هدایت است

طرفداران این دیدگاه مانند ابو اسحاق شاطبی و نویسندگان برجسته‌ی مانند شیخ طبرسی و زمخشری براین باورند که قرآن کریم کتاب هدایت است و منظور از بیان همه چیز در آن مسؤل مربوط به هدایت دین است. ابواسحق ابراهیم بن موسی الشاطبی الاندلسی (متوفی ۷۹۰) از جمله کسانی است که در مخالفت با دیدگاه غزالی و طرف داران دیدگاه اول برخوردارند (جلیلی، ۱۳۹۴: ۹). وی که از مخالفان سرسخت دیدگاه اول است، آیات مربوط به دیدگاه اول را توجیه دیگری می‌کند. به نظر ایشان مراد از آن آیات، عبادات و تکالیف است نه معنای دیگری و منظور از کتاب در آیه «ما فرطنا فی الكتاب» لوح محفوظ است نه عام که شامل همه‌ی علوم عقلی و نقلی گردد (الذهبی، ۱۹۷۶: ۱۲/۴۸۹). علاوه بر وی علمای جدید نیز استدلال می‌کنند که قرآن کریم کتاب هدایت است؛ زیرا درست نیست که کلمات قرآنی را به هرنحوی در میان عرب عصر پیامبر اسلام روشن نبوده تعبیر کنیم و از آن استفاده علمی بودن نماییم. افزون بر آن علم به مرحله نهائیش



نرسیده و درست نیست که قرآن را با تئوریهای زودگذر علم تطبیق دهیم، زیرا هر نظریه در فرایند تکاملی خود قابل تغییر و تکامل است و بدین جهت خداوند خواسته که بشر حقایق طبیعی و علم را با عقل و حس خودش کشف کند تا عقل انسان بدون استفاده نماند. بنابراین قرآن کتاب برای آموزش علم و تکنولوژی نازل نشده است، بلکه کتاب هدایت است و معنای اینکه همه چیز در قرآن است این خواهد شد که قرآن شامل همه چیزهایی است که برای هدایت و سعادت ما لازم است (گلشنی، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

دیدگاه سوم: تفصیل بین دیدگاه اول و دوم

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، همه علوم بشری در ظواهر قرآن کریم وجود ندارد و از طرفی هدف اصلی آن هدایت‌گری بشر به سوی خداست و نیز برخی از آیات، انسان را دعوت به تفکر و اندیشه می‌کند و بعضی از مطالب علمی و مثال‌های صحیح و حق را بیان می‌کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است (رضایی اصفهانی و ملاکامی، ۱۳۸۹: ۱۹). دلایل این دیدگاه همراه با نقد ادله دیدگاه اول است. ظهور آیاتی که می‌فرماید همه چیز در قرآن است قابل استناد نیست چرا که بر خلاف ظاهر است زیرا فرمول‌های ریاضی، فیزیک و شیمی در قرآن نیست و افزون بر آن، برخی از مفسران نسبت به لفظ «کتاب» در آیه مورد استدلال آنان، دارای چند معنا مانند لوح محفوظ، قرآن کریم، اجل، علم و خداوند دانسته‌اند. اما این دیدگاه نیز در تفصیل این گونه آیات تحلیل نموده‌اند که هدف آیاتی که اشاره به علوم طبیعی دارد، کشف فرمول‌های هندسه، ریاضی و... نیست بلکه این اشارات استطرادی و جانبی است و هدف آن آموزش علوم نیست.

بنابراین می‌توان گفت که ظاهر آیات قرآن بر تمام علوم بشری با تمام جزئیات آن دلالت ندارد، هرچند اشاراتی به بعضی از علوم شده است که عرضی بوده و بالفعل وجود ندارد و آیاتی در این زمینه وجود دارد تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم را به طور تفصیل و یا مجمل بیان نموده است. این نظریه از سوی مفسران بزرگ چون علامه طباطبایی و نویسندگان تفسیرنمونه مورد تأیید قرار گرفته است (جلیلی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱).

بررسی و ارزشیابی

آنچه گذشت اشاراتی از دیدگاه‌های مطرح در زمینه تعامل قرآن با علوم جدید بود و قطعاً هر دیدگاهی ادله مفصل‌تر و جای نقد و بررسی بیشتری دارد اما هدف از این تحقیق صرفاً آشنایی با دیدگاه‌ها بود نه بیش از آن، و به همین مقدار کفایت می‌کند. به نظر می‌رسد دیدگاه سوم که تلفیق از دو دیدگاه اول و دوم است جامع‌تر و کامل‌تر باشد و همین جنبه ترکیبی آن رجحان دارد؛ یعنی

قرآن کریم بشر را به سوی سعادت و خوشبختی هدایت نموده و از لازمه آن توجه همه جانبه به ابعاد زندگی انسانهاست و یکی از بعد زندگی آنان تأمین نیازهای علمی است. هرچند ممکن است بعد علمی مطرح در قرآن کریم به صورت مفصل و جزئی نیامده باشد و یا توان بشر به اندازه‌ای نیست که تمام علوم موجود را کشف نماید و در آینده با تحقیقات، دستکاری‌ها و تجارب جدید در طبیعت و با استفاده از آن به رمزها و رازهای علمی قرآن پی برده و علم جدید به دست خواهد آمد.

چگونگی تعامل قرآن با علوم جدید

کیفیت و چگونگی ارتباط قرآن کریم با علوم جدید به گونه‌های مختلفی قابل تبیین است. گاهی برخی موضوعات مطرح علمی گذشته بشری را که گمان می‌رفت قرآن کریم از آن تأثیرپذیرفته باشد، مردود شناخته و انکار می‌گردد. برخی موضوعات علمی دیگر که در عصر نزول رواج داشته با کم و کاستی روبرو بوده اما قرآن کریم به اصلاحات و تکمیل آن پرداخته است. گاهی هم مباحث علمی مرسوم و درست را امضا و تأیید نموده و در نهایت براساس ضرورت‌ها و نیازهای بشر موضوعات جدید علمی را تأسیس کرده است. به طور کلی تعامل قرآن کریم با علوم جدید را می‌توان در یک رابطه سه یا چهارگانه انکاری، اصلاحی، امضایی و تأسیسی ترسیم نمود که در پی به صورت مصداقی و مشخص بررسی و پاسخ به شبهات در این زمینه مطرح می‌گردد.

الف) جنبه انکاری

برخی شبهات مطرح گردیده که قرآن کریم در مباحث علمی از علوم گذشته و مرسوم قبل از عصر نزول مانند غروب خورشید در چاه، امکان افتادن آسمان بر روی زمین، حرکت خورشید و ایستایی زمین (مسعودی، ۱۳۹۱: ۱۲۸)، تأثیر طب جالینوس بر قرآن و آیات منطبق بر هیئت بطلمیوسی تأثیرپذیرفته است. در اینجا ایستایی زمین و هیئت بطلمیوسی به صورت مصداقی و نمونه‌ای بیشتر بحث خواهد شد و مناسب به نظر می‌رسد تا این موضوع بررسی شود که قرآن کریم چگونه آن را مورد پذیرش قرار نداده و انکار می‌کند.

در این گونه موارد ادعا شده است که قرآن با قوانین ابطال شده هیئت بطلمیوسی هماهنگی دارد. بطلمیوس یونانی که تولد او را به صورت متفاوت از ۱۴۰ سال قبل از میلاد تا قرن دوم میلادی در اسکندریه گفته است؛ نظراتی را پیرامون جهان ارائه داد و این دیدگاه قرن‌ها در دنیا و اغلب شهرهای آسیا بر عقول و افکار بشر حاکم بود. عقیده وی نسبت به هیئت نجوم عبارت بود از: زمین مرکز عالم و ساکن است و کلیه سیارات دیگر بر گرد این مرکز خاکی می‌گردند.



تعداد نه فلک مانند طبقات پوست پیاز داخل یکدیگر قرار گرفته و زمین را احاطه کرده است (مسعودی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

و نظرات دیگری که وی نسبت به نجوم و کیهان شناسی ارائه داد. در موضوع ادعا شده که برخی آیات قرآن کریم با قوانین علمی هیئت بطليموسى قدیم مطابقت دارد. «قال ابراهيم فإن الله يأتي بالشمس من المشرق فأت بها من المغرب فبهت الذى كفر» (بقره: ۲۵۸)؛ ابراهيم گفت خداوند خورشید را از افق مشرق می‌آورد؛ تو از مغرب بیاور در اینجا آن مرد کافر (نمرود) مبهوت ماند. از این آیه استفاده نموده که زمین ثابت و خورشید در اطراف آن در حرکت است. از آیه: «الذى خلق سبع سماوات طباقا متری فى خلق الرحمن من تفاوت فأرجع البصر هل ترى من فطور» (ملک: ۳)؛ همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی. بار دیگر نگاه کن، آیا شکافی و خللی مشاهده می‌کنی؟ بر طبقه طبقه بودن آسمانی با نه فلک مانند طبقات روی هم قرار گرفته پیاز، استفاده نموده است.

بررسی و ارزشیابی

بسیار از مفسرین در صدد تطبیق یا توجیه و تأویل این گونه آیات بر هیئت بطليموسى و موضوعات علمی دیگر برآمدند. بررسی این مسأله نیازمند معنا و مفهوم آسمان در قرآن کریم است که منظور از سما چیست؟ آیا موجود مادی است یا مجرد؟ (مسعودی، ۱۲۹۱: ۱۳۸). از برخی آیات استفاده می‌شود که سماء موجودی مادی است «ثم استوی إلى السماء و هی دخان» (فصلت: ۱۱)؛ سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود. گاهی به صورت مجازی به کار رفته و منظور از سماء مادی نیست بلکه یک امر مجرد است «وفى السماء رزقکم و ما توعدون»؛ و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می‌شود (ذاریات: ۲۲). رزق و بهشتی که خداوند وعده داده در آسمان مادی نیست و اختیارش به دست رازق عالی مرتبه و مجرد است (مسعودی، ۱۳۹۱: ۱۳۸).

بنابراین نمی‌توان ادعا نمود که منظور از طبقه طبقه بودن آسمان در قرآن کریم همان چیزی است که هیئت بطليموسى مطرح می‌کند، زیرا در قرآن دلالتی بر پذیرش هیئت بطليموسى وجود ندارد و کسی نمی‌تواند صرفاً به خاطر وجود آیات طبقه طبقه بودن آسمان، چنین چیزی را به قرآن نسبت داد و این گونه تطبیق‌ها مربوط به ذهن و درک مفسران و اعتماد آنان از علوم بشری است (مسعودی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). قرآن هرگز از هیئت بطليموس سخن نمی‌گوید و آنچه در این زمینه وجود دارد تطبیق ناآگاهانه فرضیه اثبات نشده بر آیاتی از قرآن است و این کار در حقیقت تحمیل قواعدی گمانی و حدسی اثبات نشده بر قرآن مجید است (رستمی، ۱۳۹۲: ۳۱۴). وقتی به آیات قرآن هم نگاه کنیم مشاهده می‌شود

که قرآن برخلاف هیئت بطلیموس هفت طبقه را مطرح کرده نه فلک نه گانه بطلیموسی را. علاوه بر آن ظاهر آیات قرآن بر ویژگی‌های که هیئت بطلیموسی مطرح می‌کند مطابقت ندارد (ر.ک: همان).

علاوه بر آن از کلمه «طباقا» می‌توان فهمید که آسمان‌های هفت گانه رویهم قرار گرفته‌اند نه هفت قطعه کنارهم و به حسب ظاهر از این آیات به دست می‌آید که آسمان‌ها فوق یکدیگرند. تعبیر «السماءالدنیا» نیز می‌تواند این مطلب را برساند که آسمان‌های دیگر به ترتیب بالای آسمان هستند و نسبت مکانی آنها به ما دورتر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳-۱/۲۴۴).

در پاسخ ایستایی زمین گفته است که اولا حضرت ابراهیم بر زبان عرف و آن گونه که مردم آن زمان صحبت می‌کردند، دلیل می‌آورد نه آن چیزی که نظرات علمی در کتابها مطرح می‌شود. ثانياً آن حضرت در مقام جدل از مقبولات خصم علیه خودش استفاده کرده ولو اینکه از نظر مستدل صحیح نباشد (مسعودی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). افزون بر آن قرآن کریم به حرکت زمین^۱ اشاره می‌کند و آن را گهواره و محل^۲ مناسب برای بشر به حساب می‌آورند.

بنابراین قرآن کریم تطبیق تعدادی از آیات را با هیئت بطلیموسی نپذیرفته و انکار می‌کند. برخلاف ادعای برخی که براساس تفسیر ذهنی و شخصی خویش معتقد بر تأثیرپذیری بودند زیرا این دیدگاه افزون بر برداشت شخصی، با حقیقت جاودانی و فرازمانی و مکانی قرآن سازگاری ندارد و اگر ملزم به این دیدگاه گردیم، بدون تردید قرآن کریم را محدود و مقید به زمان پیامبر اسلام نموده‌ایم و فراتر از آن را پاسخگو نخواهد بود زیرا فضای فرهنگی حاکم در هر زمان تعیین کننده فرهنگ جدید است.

براین اساس برخی موضوعات علمی مانند کیهان شناسی که از عصری زمان نزول قرآن کریم تا قرن‌ها بعد رواج داشته مورد قبول قرار نگرفته بلکه آن را انکار نموده است. موضوعات دیگری نیز در حوزه علمی، دینی و فرهنگی مانند بسیاری از خرافات مرسوم در زمان نزول قرآن در میان مردم و بت پرستی وجود داشت که قرآن کریم به دلیل نادرستی آن، انکار نموده است.

ب) جنبه اصلاحی و امضایی

یکی از جنبه‌ها و ابعاد ارتباطی قرآن با علوم جدید، تأیید و امضای موضوعات علمی است؛ هرچند ممکن است تغییرات جزئی یا اصلاح و تکمیل آن وجود داشته

۱. و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب؛ کوه‌ها را می‌بینی و آنها ساکن و جامد می‌پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند. (نمل: ۸۸).

۲. الذی جعل لکم الارض مهدا...؛ همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد (طه: ۵۳).



باشد اما اینکه اصل موضوع علمی مورد امضا قرار گرفته، می‌توان گفت که به نحوی قرآن کریم آن را پذیرفته است. البته پذیرش آن به معنای تعامل منفعلانه قرآن کریم نیست بلکه مبتنی بر حقایق و واقعیاتی است که ریشه در عقلانیت دارد؛ چنانچه اگر این موضوع قبلاً در میان بشر آن زمان مرسوم نبود، براساس ضرورت‌ها و نیازهای بشر، به صورت تأسیسی و جدید بیان می‌گردید. جریان شیردهی فرزند از مادر یکی از آن موارد است که قبل از اسلام رواج داشته و قرآن کریم هم آن را تأیید نموده و به صورت مفصل‌تر به اصلاح آن پرداخته است.

آداب و سنت‌های که مطابق با ارزش‌های اخلاقی و پسندیده بوده و مغایرت با اصول و ارزش‌های پذیرفته شده دین اسلام نداشت و متضمن مفسده و ضرری نیز نبوده و همسو با معیارها و فطرت انسانی بوده است؛ مورد امضا و تأیید قرآن کریم قرار گرفته است. به عنوان نمونه مسأله شیر دادن مادر به فرزند در بین عرب عصر نزول، شأن و جایگاه والایی داشت؛ از آنجا که این امر در تربیت و خلق و خوی فرد تأثیر فراوان می‌گذارد؛ آنان تأکید داشتند که خود مادر به فرزندش شیر دهد و اگر مادر عذری داشت، افراد فامیل یا افراد سالم که دارای خانواده‌ای اصیل بودند برای شیردهی انتخاب می‌شدند. اعراب در انتخاب دایه برای شیر دهی نیز دقت و توجه زیادی مصروف می‌داشتند. قرآن کریم بر این سنت حسنه که سازگار با عواطف انسانی و تأثیر گذار بر جنبه‌های روانی و روحی شخصیت انسان است؛ صحه می‌گذارد (فاضلی، ۱۳۸۵: با استفاده از سایت پژوهشگاه علوم و اندیشه اسلامی).

پژوهش‌های پزشکی فواید بسیاری را برای شیرمادر کشف کرده‌اند؛ بهداشتی و عدم آلوده به میکروب‌های موجود در اطراف کودک، درجه حرارت مناسب شیرمادر و پروتئین‌های موجود در آن، از جمله فواید آن محسوب می‌گردد. امروزه نتیجه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کیفیت پروتئین موجود در شیرمادر نسبت به کمیت و مقدار آن فوق العاده بالاست و این امر عنصر اساسی، در رشد و نمو کودک می‌باشد. همچنین دانشمندان کشف کرده‌اند که میزان پروتئین موجود در شیرمادر با رشد کودک نسبت معکوس دارد؛ یعنی هر قدر نوزاد کوچکتر باشد، مقدار پروتئین بیشتر می‌گردد سپس به تدریج با رشد تدریجی کودک مقدار آن کمتر می‌شود و براساس نیاز کودک مقدار و کمیت آن قابل تغییر است (الجبال، ۱۳۸۳: ۱۱۸-۱۱۷).

منابعی نیز در این زمینه نوشته شده است. کتابی «الاعجاز الطبی فی القرآن» اثر دکتر السید الجمیلی است که در آن سیر رشد و تکامل انسان را از حالت نطفه تا دوران بلوغ آن گونه که در قرآن آمده و نیز خواص برخی از خوراکیها از دیدگاه علم طب، بررسی نموده است (سلطانی‌گرد فرامرزی، ۱۳۹۳: ۲۹۶). مهمترین آیه که در قرآن کریم آمده این است: «والوالدات یرضعن أولادهن حولین کاملین لمن أراد

آن یتیم الرضاعة» (بقره: ۲۳۳)؛ مادران فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند این برای کسی است که بخواهد دوران شیردهی را تکمیل کند. معمولاً در قرآن کریم و قوانین بشری، موضوعات به صورت کلی بیان می‌شود و به جزئیات پرداخته نمی‌شود اما اهمیت شیرمادر به اندازه زیاد است که قرآن کریم گاهی به جزئیات مسأله تغذیه شیر مادر نیز اشاره دارد (گلستان و خلاصه‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۶۸).

بنابراین شیر مادر قبل از اسلام نیز رواج داشته و برای تغذیه فرزندان از شیر مادر استفاده می‌نمودند و یا برای آنان زنی دیگری انتخاب می‌گردید تا شیر دهند. هرچند کم و کیفیت آن ممکن است تفاوت‌های داشته باشد اما اصل جریان شیردهی وجود داشته و بعد از اسلام نیز این روند امضا گردیده است. موارد دیگری نیز مانند مراسم حج، یکتا پرستی و... نیز وجود داشت که بعد از اسلام با تغییراتی مورد تأیید قرار گرفته است.

بررسی و ارزشیابی

برخی موضوعات علمی و سنت‌های حسنه دینی، اجتماعی و فرهنگی قبل از ظهور اسلام وجود داشته و قرآن کریم آن را مورد تأیید و اصلاح قرار داده است البته تأیید آن به معنای این نیست که قرآن تحت تأثیر آن قرار گرفته است بلکه یک امر درست و مطابق با عقل بشر بوده و به همین دلیل مورد امضا و اصلاح قرار گرفته است. نمونه‌هایی از آن جریان شیردادن به فرزندان و یکتاپرستی پیروان حنیفیت یا آیین ابراهیمی قبل از اسلام است. امروزه تغذیه کودک از شیر مادر از نظر علمی و پزشکی اثبات شده که در سلامتی فرزند تأثیر زیادی دارد و این امر پسندیده را قرآن کریم به شکل کامل‌تر و با جزئیات بیان نموده است.

ج) جنبه تأسیسی

بسیاری از موضوعات قرآنی که به صورت علمی پدیدار گردیده جنبه تأسیسی دارد؛ با توجه به اینکه قرآن کتاب هدایت و از جامعیت و جاودانگی برخوردار است، آن‌چه در زندگی مادی و معنوی انسان‌ها لازم و نیاز بوده به نحوی اشاره‌ای، اجمالی، کلی و در بعض موارد به صورت تفصیلی تبیین و تأسیس نموده است. البته اگر علم را به معنای عام تجربی حسی و غیرتجربی بدانیم اکثر مباحث قرآنی تأسیسی است و در حوزه‌های خاص نیز جنبه تأسیسی آن برجسته است. یکی از موضوعات علمی خاص که مسلمانان توانستند با الهام از آیات قرآن کریم توسعه دهند دانش پزشکی یا طب قرآنی است. هرچند طبابت به درازای عمر بشریت سابقه دارد اما به صورت کاربردی و سازماندهی شده در میان مسلمانان بعد از گذشت زمان نزول قرآن ترویج گردید و آنگاه فضای جغرافیایی جهان را در نوردید و این علم بسط و توسعه یافت.



بنابراین برخی امور در قرآن کریم آمده که جنبه تعبدی و بهداشتی داشته و دارای فواید پزشکی است و برآن مصالح و حکمت‌های مترتب است که با پیشرفت علوم پزشکی به دست آمده و هرچند عقل و علم مردم صدر اسلام کشف نکرده یا توانایی درک آن را نداشت (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۹۳). همانطوری که گفته شد ممکن است موضوعات علمی در قرآن کریم با صراحت کامل نیامده باشد و اما به صورت ضمنی می‌توان آن را به دست آورد، زیرا فضای آیات قرآن به گونه‌ای است که در راستای هر علمی جنبه هدایتگری به سمت هدف مطلوب انسانی دارد و در دانش پزشکی نیز همین قاعده قابل اجرا است.

قرآن کتاب شفا است «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمت للمؤمنین» (اسراء: ۸۲) و مسلمانان با توجه به این گونه آیات توانستند برای خود ایجاد انگیزه نمایند تا در برابر هیچ دردی مأیوس نشوند و از نسخه شفابخش قرآن بهره برده و طب اسلامی را پدید آورند. طب القرآن را به بخش‌های مختلف تقسیم کرده‌اند: جنین‌شناسی، کالبدشناسی، بهداشت، معالجه و درمان و... (خراسانی، ۱۳۹۲: ۲۴۸). یکی از نمونه‌های علمی قرآن کریم در زمینه پزشکی و طبابت داستان معالجه حضرت مریم با رطب و آب چشمه است. در آیات قرآن آمده است وقتی درد زایمان برای وی ظاهر شد و به سمت درخت خرما کشیده شد و دستور خداوند آمد «و هزی إلیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا» (مریم: ۲۵)؛ و تنه درخت خرما را به طرف خود بتکان تا بر تو خرما تازه ریزد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: «معنای جمله این است که از رطب تازه رسیده بخور و از جوی آبی که زیر پایت جاری شده بیاشام، و بدون اینکه اندوهی به خود راه دهی خوشنود باش، و اگر به خوردن و آشامیدن سفارش کرد برای این بود که هر کدام از این دو یکی از نشانه‌های مسرت و خوشوقتی است، و کسی که گرفتار مصیبتی است دیگر نمی‌تواند از غذای لذیذ و آب گوارا لذت ببرد، و مصیبت، شاغل او از این کارها است، و معنای آیه این است که از رطب تازه بخور و از جوی آب بیاشام و از عنایتی که خدا به تو کرده خرسندی کن بدون اینکه غمگین و محزون شوی» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۵۸).

رطب در علم پزشکی نیز حاوی ماده قبض کننده رحم و تقویت کننده عضلات آن است و در ماه‌های حاملگی تأثیر مناسبی در زایمان دارد چنانکه متخصصین زایمان برای مادران در حال درد زایمان آب قند را توصیه و تجویز می‌کنند (خراسانی، ۱۳۹۲: ۲۴۹). آیاتی در زمینه بهداشت غذایی آمده که انسان را دعوت و توصیه به استفاده از غذاهای پاک و پاکیزه می‌کنند «یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم» (بقره: ۱۷۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمتهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و در آیاتی دیگری نیز به همین مضمون آمده و

در نقطه مقابل انسان را از غذاهایی غیربهداشتی و خبایث و آنچه که برای انسان مضر هستند، نهی نموده و حرام دانسته است.

برخی شبهات در این زمینه مطرح گردیده که مسایل پزشکی مطرح در قرآن از طب جالینوس تأثیرپذیرفته است. اشاره مختصر به آن خواهیم نمود و سپس بررسی و ارزشیابی می‌گردد. «جالینوس» (۱۳۱-۲۰۱م) در زمان «مارك اورل» امپراطور روم می‌زیست. ایشان در ابتدا به سوی فلسفه رفت، بعد به طب روی آورد و شروع به آموختن آن کرد و برای تکمیل داروشناسی به جزیره «قبرس» و سپس به «فلسطین» رفت. قریب به ۱۰۰ جلد (بعضی تا ۴۰۰ جلد نیز گفته‌اند) کتاب و رساله دارد. در واقع علم طب به معنای معروف آن در دوره اسلامی با ترجمه کتاب‌های یونانی و هندی آغاز شده (ولایتی، ۱۳۸۴: ۱/۲۱۶) و در جوی از ستایش و تحسین برای بقراط و با الهام مستقیم از تعالیم جالینوس پیشرفت کرده است. مقام جالینوس در میان پزشکان مسلمان آنقدر با اهمیت بود که تمام آثار وی را به زبان عربی ترجمه کردند و نظرات او با اهمیت تلقی می‌شد، و پزشکان مسلمان خود را شاگرد جالینوس می‌دانسته‌اند. برخی گفته‌اند اگر طب جالینوس در قرآن منعکس باشد نباید انکار کرد زیرا قرآن فرهنگ زمانه را باز تافته است نه لزوماً و در همه موارد حقایق ازلی و ابدی را. (مسعودی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). پاسخ این شبهات در بررسی و ارزشیابی خواهد آمد.

بررسی و ارزشیابی

برخی موضوعات پزشکی در قرآن کریم به صورت اجمال و کلی آمده و تأثیر آن در سلامتی انسان برجسته است. نمونه‌های آن استفاده از رطب و غذای پاک و سالم است. امروزه در دانش پزشکی هردو مورد اثبات گردیده که نقش تعیین کننده در سلامت انسان دارند هرچند در قرآن کریم جزئیات و فرمول‌های ریزپزشکی نیامده اما نسخه شفابخش دردهای انسانی در آن وجود دارد و نیازمند کشف عالمانه است که با ابزار دانش علمی جدید می‌توان به آن دستیافت. در زمان نزول قرآن کریم این گونه موضوعات پزشکی به صورت برجسته در میان مردم آن عصر مطرح نبوده و آن از ابداعات قرآن است.

اما در بخش تأثیرگذاری طب جالینوس بر قرآن کریم که برخی اذعان برآن نموده‌اند، باید گفت که طب بقراط و جالینوس بر قرآن تأثیر نداشته هرچند بر دانشمندان مسلمان تأثیر گذاشته است و مهم‌ترین کاری که پزشکان مسلمان برای پیشرفت طب جالینوس انجام داده‌اند به شرح ذیل است:

۱. طب پراکنده و مشوش یونانی را مرتب نمودند.
۲. طب را از صورت نظری بیرون آورده و طب عملی و تجربی را ایجاد کردند.
۳. علم امراض را توسعه داده و بسیاری از بیماری‌ها را که تا آن زمان از آنها

اطلاعاتی در دست نبود در علم طب وارد کردند. (نجم آبادی [http://ketabnak.com/](http://ketabnak.com/book/))

بنابراین بسیاری از موضوعات علمی و فرهنگی در قرآن کریم به دلیل برآوردن احتیاجات و نیازهای مردم و هدایت آنان به سعادت و خوشبختی؛ جنبه تأسیسی داشته است. نمونه آن در دانش پزشکی و طبابت است که دستور به مراعات بهداشت و استفاده از غذای سالم و پرهیز از خبایث داده است.

نتیجه گیری

محتوای قرآن کریم به دلیل اینکه از خاستگاه الهی برخوردار است، تمام زوایا و مؤلفه‌های زندگی بشر را پوشش می‌دهد و در حوزه‌های علمی و فرهنگی از جامعیت برخوردار است. بدین جهت تعامل قرآن با علوم بشری فعالانه است نه منفعلانه. هرچند همه علوم با جزئیات کامل در قرآن نیامده اما کتاب هدایت و راهنمایی برای بشر به منظور سعادت و تکامل محسوب می‌گردد. آنچه نیاز و ضرورتی داشته باشد، یا به صورت تفصیلی و جزئی با به صورت کلی و اجمال بیان نموده است؛ لذا برخی علوم مرسوم زمان نزول را که بشر با فکر محدود و با قضاوت‌های ظاهری خویش معتقد به آن بودند، انکار نموده است، زیرا بر خلاف واقعیات و حقایق بوده و با عقل و فطرت خالص بشری مطابقت نداشته است. مصداق مشخص آن در حوزه کیهان شناسی است که به اعتقاد برخی شبه‌افکنان مباحث قرآنی در این زمینه تحت تأثیر هیئت بطلیموسی قرار گرفته است و حال آنکه چنین چیزی واقعیت ندارد.

یکی دیگر از جنبه‌ها و ابعاد ارتباطی قرآن با علوم جدید، تأیید و اصلاح موضوعات علمی است؛ هرچند ممکن است تغییرات جزئی یا اصلاح و تکمیل آن وجود داشته باشد؛ اما اینکه اصل موضوع علمی مورد امضا قرار گرفته، می‌توان گفت که به نحوی قرآن کریم آن را پذیرفته است. البته پذیرش آن به معنای تعامل منفعلانه قرآن کریم نیست بلکه مبتنی بر حقایق و واقعیاتی است که ریشه در عقلانیت دارد. جریان شیردهی فرزندان توسط مادر قبل از اسلام وجود داشته و در قرآن کریم به صورت کامل‌تر بیان شده است.

اگر علم را به معنای عام تجربی حسی و غیرتجربی بدانیم اکثر مباحث قرآنی تأسیسی است و در حوزه‌های خاص نیز جنبه تأسیسی آن برجسته است. یکی از موضوعات علمی خاص که مسلمانان توانستند با الهام از آیات قرآن کریم توسعه دهند دانش پزشکی یا طب قرآنی است. هرچند طبابت به درازای عمر بشریت سابقه دارد اما به صورت کاربردی و سازماندهی شده در میان مسلمانان بعد از گذشت زمان نزول قرآن ترویج گردید و آنگاه فضای جغرافیایی جهان را در نوردید و این علم بسط و توسعه یافت.



آیاتی در زمینه بهداشت غذایی آمده که انسان را دعوت و توصیه به استفاده از غذاهای پاک و پاکیزه می‌کنند «یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمتهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید (بقره: ۱۷۲) و در آیاتی دیگری نیز به همین مضمون آمده و در نقطه مقابل انسان را از غذاهایی غیربهداشتی و خبایث و آنچه که برای انسان مضر هستند، نهی نموده و حرام دانسته است. قرآن کریم در حوزه پزشکی نیز از طب جالینوس تأثیر پذیرفته هرچند دانشمندان مسلمان آراء نظریات او را سازماندهی نموده‌اند. به طور کلی تعامل قرآن با علوم جدید به سه صورت انکاری، اصلاحی، امضای و تأسیسی قابل تبیین است. بروز و ظهور این ارتباطات در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی هویدا می‌گردد و مصداق‌هایی را می‌توان در علوم کیهان‌شناسی، طبابت یا پزشکی تعیین نمود. با این توصیف می‌توان گفت که قرآن کریم همه‌ی زوایایی زندگی فردی، اجتماعی و علمی انسان‌ها را شامل گردیده و فراتر از باورها، فرهنگ‌ها و رسومات قراردادی و علمی محدود بشر است. هیچگاه تحت تأثیر فرهنگ و علم محدود انسان‌ها قرار نخواهد گرفت و کلام الهی از جامعیت کامل برخوردار است.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
 نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۱. جلیلی، رضا، قلعه نوی، مرتضی و مقیسه، رضا، (۱۳۹۴)، فناوری در قرآن، تهران: دانشگاه جامع امام حسین(ع)، چاپ اول.
 ۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی و ملاکاطمی، محسن، (۱۳۸۹)، اعجاز و شگفتی‌های علمی قرآن، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ دوم.
 ۳. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۴)، معارف قرآن: خدانشناسی - کیهان‌شناسی - انسان‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ پنجم.
 ۴. الذهبی، محمدحسین، (۱۹۷۶م)، التفسیر و المفسرون، ج ۲، مصر: دارالکتب الحدیثه، چاپ دوم.
 ۵. گلشنی، مهدی، (۱۳۸۷)، قرآن و علوم طبیعت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.
 ۶. الجبال، محمدجمیل ومیض رمضی، العمری، (۱۳۸۳)، پزشکی در قرآن: روش تفسیری اشارات علمی در آیات قرآن، مترجم: صاحبعلی اکبری، مشهد: انتشارات پیک توس، چاپ اول.
 ۷. ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم.
 ۸. رضایی اصفهانی، (۱۳۹۲)، منطق تفسیر قرآن (۵) (قرآن و علوم طبیعی و انسانی)، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، چاپ اول.
 ۹. سلطانی‌گرد فرامرزی، علی، (۱۳۹۳)، جلوه‌هایی از اعجاز قرآن، تهران: انتشارات آسونه، چاپ اول.
 ۱۰. گلستان، مطهره و خلاصه زاده، پروین، (۱۳۸۸)، قرآن و طب، ج ۲ (شیرمادر از دیدگاه قرآن و اسلام)، یزد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه و شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
 ۱۱. اتابکی، پرویز، (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع کاربردی فرزانه عربی-فارسی، ج ۱، تهران: نشر فرزانه، چاپ اول.
 ۱۲. خراسانی، لطف الله، (۱۳۹۲)، فرهنگ آفرینی قرآن، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
 ۱۳. رستمی، حیدرعلی، (۱۳۹۲)، پژوهشی در نسبت میان قرآن و فرهنگ زمانه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
 ۱۴. رضایی اصفهانی، (۱۳۹۲)، منطق تفسیر قرآن (۴)، مباحث جدید دانش تفسیر (زبان قرآن، هرمنوتیک، فرهنگ زمانه)، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، چاپ اول.
 ۱۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۳)، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سی و دوم.
 ۱۷. فاضلی، مهسا، (۱۳۸۵)، مواجهه قرآن با فرهنگ‌های عصر نزول، (مجله پژوهش‌های قرآنی).
 ۱۸. مسعودی، سعید، (۱۳۹۱)، قرآن و فرهنگ زمانه، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
 19. <http://www.quranp.com/index.php/page,articleView/articleID,403>
 20. <http://ketabnak.com/book/>